

متن پیاده سازی شده جلسه بیست و یکم سال دوم درس خارج فقه پزشکی با محوریت پرونده های قضایی 6 خرداد ماه 1402

برای دریافت فایل pdf [کلیک کنید](#)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة وليا وحافظا و قائدا و ناصرا و

دليلا و عينا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

موضوع: ازاله بکارت

ما تا کنون هفت سوال را مطرح کردیم و به چهار سوال پاسخ دادیم . من دوست دارم در نشست امروز که میخواهم نشست آخر باشد به آن سوالات باقیمانده جواب دهم.

سوال پنجم این بود آیا ترمیم بکارت زائل ، جایز است در وقتی که شخص به جهت تدلیس این کار را انجام میدهد. این جریان چه حکمی دارد؟

دختری است بکارتش زائل شده کسی ازاله کرده یا این که خودبخود زائل کرده می خواهد برود ترمیم کند و ممکن است قصد تدلیس نداشته باشد، می خواهد درمانی این کار را بکند و چه بسا قصد ازدواج نداشته باشد، یا ممکن است محیطی زندگی می کند که بکارت اصولا مطرح نیست؛ اصولا این جور جاها تدلیس مطرح نیست.

برای تدلیس گاه این کار صورت می گیرد و معتقد شویم که تدلیس هم حرام است.

مثلا می خواهد ازدواج کند و می خواهد دوشیزگی خود را گزارش دهد؛ در این جا معمولا فقهای ما، تدلیس را حرام میدانند. در قانون مجازات اسلامی هم جرم انگاری شده است ؛ یعنی قانون گذار تجریم کرده به این معنا که به قصد کلاهبرداری، این کار را انجام دهد باید بگوییم که اشکال دارد و حرام است.

آیا ما میتوانیم بین کار پزشک یا تیم پزشکی یا پرستار با تدلیس تفاوت بگذاریم یا اینکه نه؛ بگوییم این بخشی از تدلیس هست.

این دختر که ترمیم می کند و بعد می گوید من دست نخورده ام شوهرم متوجه نمی شود در حالی که دست خورده است و پرده بکارت او قبلا از بین رفته ... ولی رفته ترمیم کرده و شوهر هم فکر می کند این همان پرده خداداد هست، این ربطی به کار پزشک ندارد. کاری که پزشک یا پرستار کرد این بود که این پرده را مجدد ترمیم کرد؛ کار این پزشک از کار این دختر جداست این که بعد برود و چه کار کند و ربطی به هم ندارد . ولی اگر کسی بگوید کار پزشک و این اقدام دختر این مجموعه عملی را تشکیل میدهد به نام تدلیس و لذا هم کار پزشک می رود زیر مجموعه حرمت وقتی هم که این طور شد ؛ اذا حرم الله شیئا حرم ثمنه.... کار زیبایی این جا هست ؛ ما یک سری حرمتهایی داریم که از یک مجموعه صادر می شود؛ میدانید این مطلب کجا به ذهن من خطور کرد؟

ما یک موقعی در مکاسب محرمه، بحث ما کشید به ربای بانکها؛ برای من سوال شد که گاه طرف ما شخص هست، معلوم است اما در مثل بانکها اگر ما ربای بانک را قبول کنیم (شخص حقوقی) بحث وضعی آن یک بحث است و این که ربا به ملک بانک در نمی آید. سود متعلق به بانک نیست؛ این وسط چه کسی حرمت را مرتکب می شود؟

فرض کنید من وارد بانک می شوم و تقاضای وام میدهم و وام هم ربوی است یا صورتا و واقعا ربوی است یا

فرض کنید شما کار بانک را ربوی میدانید و ربا هم حرام است و کسی هم وارد بانک می شود، که وام بگیرد ؛ سوال این است که چه کسی حرام را مرتکب می شود؛ رئیس بانک ؛ مسئول صندوق؛ کارمند بانک !؟

این جریان باعث شد تا مقاله ای را همان موقع بنویسم ؛ مشارکت در حرام ؛ حرام هایی که با یک فرایند پیدا می شود و نمی توان تک تک یک مجموعه را مجرم دانست مثلا ترمیم پرده بکارت حرام است؛ شما ممکن است بگویید این کار پزشک تدلیس نیست؛ شما ممکن است بگویید این کار دختر تدلیس است. اگر آمدم و گفتیم از یک مجموعه کار تک تک اعضا درخصوص یک کار حرام نیست؛ مستقلا یک حرامی تشکیل می شود و همه هم سهیم اند اما کار حرام نیست؛ کار این پزشک را نمی توان گفت حرام است؛ ترمیم یک پرده است. من در آن مقاله این بحث را آوردم و گفته ام که ما مجموعا این ها را مجرم میدانیم و اگر گناهشان فسق آور باشد، این ها را فاسق میدانیم.

بالاخره این بانکی که تشکیل شده از کارمند و کارپرداز و رئیس و صندوقدار این مجموعه دست به دست هم میدهند و ربا میدهند و ربا می گیرند و فرض کنید ربا دادن و گرفتن حرام تکلیفی باشد علاوه بر اثروضعی .. طبیعتا اینها مرتکب حرام شده اند و پولی هم که این ها می گیرند مشکل پیدا میکند ..

لکن این بحث در مورد مصداق پیدا نمیکند.

سوال ششم :اخبار به ازاله و ترمیم توسط زوجه به زوج در ازدواج لازم است؟

از بنده این قضیه بارها سوال شده است.

نگران این هستند که اصل عقد حرام باشد یا مهریه ..

طرف اگر میدانست که این دختر این مراحل را طی کرده که نمی آمد 150 سکه مثلا مهر قرار دهد.

اخبار به ازاله و ترمیم، آیا لازم است یا نه؟

در غیر نکاح ، معمولا میدانید در جاهای مختلف می گویند اگر معامله بخواهد اشکال پیدا کند، باید یک تخلفی صورت بگیرد؛ و الا اگر تخلف صورت نگیرد نه معامله اشکال دارد و نه ...بعد می گویند تخلف چگونه امکان دارد صورت بگیرد؟ می گویند مثل این که مشتری و بایع چیزی را بگویند که عمل نکنند یا خلاف باشد، مثلا بگویند این ماشین مدل 90 است و بعد معلوم شود مدل 88 بوده است. بعد اضافه می کنند و می گویند اگر عقد مبنیا علیها بسته باشد ولو در متن صیغه نباشد. و بعد اضافه می کنند، می گویند یا عرفا که دیگر نیاز به قید و این چیزها ندارد. که گاهی ملحق می شود به مبنیا علیها مثل سلامت کالا ؛ شما هیچوقت چیزی را که می خرید قید سلامت را میزنید؟ که آقا من این را که می خرم سالم باشد...

صریح در عقد باشد یا عقد بر او بسته باشد یا این که عرفی باشد...اما در نکاح ما چند روایت داریم که می گوید هر قیدی و

شرطی و .. هست باید در متن عقد باشد اگر این طور باشد در بحث ما اگر باکره بودن و ترمیم نبودن اگر در متن عقد بیاید

،شوهر حق اعتراض دارد(د راین جا نیاز به طلاق ندارد، میتواند نکاح را فسخ کند) کار به عیوب شش گانه هم ندارد.

اگر ما فسخ در نکاح را قبول کنیم، با توجه به این که دختر این جا دروغ گفته است و امکان فسخ نکاح است. ولی واقعیت این

است که هیچ شوهری جرات نمی کند اصولا وقتی به خواستگاری دختری می رود این داستان را مطرح کند.

این مطلب را من در رفته و حقوق قراردادهای در یکی از پیوستها آوردم .

مرحوم نراقی هم به این نکته توجه داشته است؛

خواستید نگاه کنید ص 441 تا 446 یعنی شش صفحه از کتاب دوم ادله عام روایی بحث نکاح را ببینید . اگر این را ببینید و

روایاتش را قبول کنید، بسیاری از فتوای فقها معلوم می شود که مناقشه دارد؛ جهتش هم میدانید چیست؟ که این ها ، آمدند و

این بحث ها را در قواعد عام برده اند .

من نکاح را برده ام در همان باب قواعد عام .

من از آقای سیستانی ، و شاهرودی هم مطلب آورده ام

آقای شاهرودی می گوید: كما یثبت الخيار من جهة العیب فی الرجل او المرأة كذلك یثبت من جهة التدلیس ،تدلیس مع وقوع

العقد مبنیا علیهولو من جهة الاقدام بارتکاز السلامةاو نکره فی العقد

من به آقای شاهرودی گفتم ما روایات باب نکاح را داریم...

من فکر می کنم آقای سیستانی به این نکته توجه داشته است؛

می گوید: و لا یتحقق بمجرد السکوت الزوجة عن العیب مع اعتقاد الزوج عدم وجوده و اولی بذلک، سکوتها عن فقد الصحة و

الکمال مع اعتقاد الزوج وجودها

شایدایشان معتقد است که باید در متن عقد باشد؛ کار زیبایی است مقایسه ای بکنید بین کار آقای سیستانی و دیگران
سوال هفتم: بکارتهای ارتجاعی (حلقوی) چه حکمی دارد؟
زنی که هزار بار هم مقاربت شود کالاول است این بکر نیست؛ بکر دست نخوردگی است .
در متون حقوقی و فقهی خانم هایی که این طوری هستند بکر به حساب نمی آیند.